وقتی «امکان»، ذاتیِ یک شیئ شد که دیگر معنا نمی‌دهد که چه کسی آن را به شیئ داده

شماره پرسش: ۲۲۲۶۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۷/۴/۳ ۰۰:۲۰:۵۲

متن پرسش

سلام: در پاسخ سوال ۲۲۲۵۴ که در خصوص بحث اعیان ثابته بود، فرمودید که به جزوه عرفان نظری که بر روی سایت قرار داره مراجعه کنم؛ بنده هم جزوه مربوطه را مطالعه کردم اما سوال اصلی من هنوز پاسخ داده نشده. در جزوه گفته شده که اعیان ثابته علم خداوند به استعداد ها و امکان ذاتی مخلوق است و خداوند می داند که اقتضای ذات و انتخاب های تکوینی هر موجود برای نحوه بودن خودش چیست و به آنها پاسخ مثبت می دهد و این استعدادها و ظرفیت های مخلوقات هم امکان ذاتی خود مخلوقاته و ظریفت و استعداد رو خدا مشخص نکرده چون این کار به نوعی خلاف عدل الهی است؛ امکان ذاتی هر چیزی مال خود شی هست نه آن که به اصطلاح فلسفی امر عارضی باشد، و مطلب در مجموع چیزی قریب به مضمون نقل قول معروفی بود که از ابن سینا در این زمینه وجود دارد که می فرماید «ما جعل الله المشمشة مشمشة بل أوجدها»، یعنی خداوند زردآلو را زردآلو نکرده است بلکه به آن وجود بخشیده است. اینجا برای بنده این سوال پیش آمده است که اگر استعداد و ظرفیت های مخلوقات و امکان ذاتی آن را خدا مشخص و تعیین نکرده است و به اصطلاح فلسفی از خود شی است پس این خود شی از کجا آمده است؟ فرمودید که امکان ذاتی مخلوقات و ظرفیت وجودی آنها در علم خداوند متعال قرار دارد اما چطور شد که خدا به این نتیجه رسید که این مخلوقات با این ظرفیت ها و ویژگی ها، امکان ذاتی دارند؟ طبق جمله ما «جعل الله المشمشة مشمشة بل أوجدها»، خداوند ظرفیت وجودی موجودات را به آنها نمی دهد بلکه فقط متناسب با ظرفیتی که دارند آنها را ایجاد میکنه، اگه این ظرفیت رو خدا مشخص نکرده پس این ظرفیت ها از کجا اومدن و چطور بدون این که خدا در پدید آمدن استعداد ها و امکان ذاتی نقشی داشته باشه خودشان به طور مستقل از خواست و اراده خدای متعال و طور خود به خود پدید آمده اند؟ اگر این امکان ذاتی رو خدا پدیده آورده است و امکان ذاتی و استعداد اشیاء مستقل از خواست و اراده خدا نیست هر چیزی که در اون هست هم به نوعی توسط خدا طراحی شده و خدا به خواست خود آنها را به آن گونه ای که هستند قرار داده است، مگر این که بگوئیم که اساس نظام هستی به اصطلاح فلسفی قدیم است و بدون آن که خدا آن را طراحی و ایجاد نماید ماهیت اولیه آن از ازل وجود داشته و خدا آمده از یک جایی به بعد بر مبنای آن ماهیات ازلی که وجود داشته کار را ادامه داده است! چگونه امکان ذاتی و استعداد اشیاء متعلق به خودشون هست و امکان ذاتی خودش به خودی خود از اول وجود داشته است و خدا در ایجاد و شکل دهی به این امکان و استعداد اونها هیچ دخالت و نقشی نداشته؟ اگر ممکن هست در این مورد توضیحاتی ارائه بفرمائید تا مسئله برای بنده روشن شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به معنایِ «امکانِ ذاتی» کمی فکر کنید. وقتی «امکان»، ذاتیِ یک شیئ شد که دیگر معنا نمی‌دهد که چه کسی آن را به شیئ داده تا بگوییم از کجا آمده؟ به قول معروف: «الذاتیُ ما لا یُعَلَل» ذاتی را به دنبالِ علت‌گشتن روا نیست. مثل حضرت حق که ذاتی‌اش وجودی است، حال می‌شود گفت علت وجود حضرت حق چه چیز است؟ و یا آن وجود را از کجا آورده است؟ در این مورد عرایضی در شرح تفسیر سوره‌ی حمد حضرت امام که در دانشگاه صنعتی بحث شد، داشته‌ام. موفق باشید